



Examining the Foundations of Scientific Interpretation of Ayatullah Makarem Shirazi and Marvan Sha'aban with An Emphasis on Scientific Miracles*

Mehdi Hemmatian ¹

Seyyedeh Masoume Fatemi ²

Abstract

The scientific interpretation of the verses of the Quran and the attribution of miracles to some verses, although has increased the attraction interpretation of the Quran; but, it has not been immune from the harms and dangers of personal opinion interpretation. Familiarity with the correct foundations of scientific interpretation with an emphasis on the scientific miracles of the Quran can prevent the interpreter from the risk of interpreting according to his opinion and applying and imposing scientific propositions on the Quran. The purpose of this research is to get to know the correct foundations of scientific interpretation by two Shia and Sunni commentators and also to evaluate how they apply the foundations of scientific interpretation, focusing on scientific miracles. This research was written with a library method and a descriptive-analytical approach. The findings of this research, in the section on familiarization with the basics, indicate that the correct basics of scientific interpretation from the perspective of Ayatullah Makarem are: interpretation with definite statements of science, compatibility of the appearance of the verse with the relevant scientific statement, Quran is not a book of natural sciences. Also, the basics of scientific interpretation from Marvan Shaaban's point of view are the use of definite and certain scientific propositions, expertise in the science of interpretation as well as modern science, and the non-exclusivity of the meaning of the verse on the scientific content. In the evaluation section of commentators' performance in using bases, it is stated that these commentators, although in most cases of scientific interpretation and attribution of miracles to verses, have correctly used bases; in some cases, they have been neglected in applying the basics.

Keywords: Scientific Interpretation, Scientific Miracle, Basics, Makarem Shirazi, Marvan Sha'aban.

*. **Date of receiving:** 16 April 2022, **Date of approval:** 27 May 2022.

1. Ph.D. (Specialization), Visiting Lecturer, Al-Mustafa University; (hemmat110@yahoo.com).

2. Ph.D. (Specialization); (fatemi.m110@yahoo.com).



بررسی مبانی تفسیر علمی آیت الله مکارم شیرازی و مروان شعبان با تأکید بر اعجاز علمی*

مهدی همتیان^۱ و سیده معصومه فاطمی^۲

چکیده

تفسیر علمی آیات قرآن و انتساب اعجاز به برخی آیات اگرچه به جذابیت تفسیری قرآن افزوده است؛ اما از آسیب‌ها و خطرات تفسیر به رأی مصون نبوده است. آشنایی با مبانی صحیح تفسیر علمی با تأکید بر اعجاز علمی قرآن می‌تواند مفسر را از خطر تفسیر به رأی و تطبیق و تحمیل گزاره‌های علمی بر قرآن بازدارد. هدف از این پژوهش آشنایی با مبانی صحیح تفسیر علمی دو تن از مفسران شیعه و سنی و همچنین ارزیابی نحوه به‌کارگیری مبانی تفسیر علمی، توسط ایشان با تمرکز بر اعجاز علمی است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و رویکردی توصیفی - تحلیلی نوشته شده است. یافته‌های این پژوهش در بخش آشنایی با مبانی، حاکی از آن است که مبانی صحیح تفسیر علمی از منظر آیت‌الله مکارم عبارت‌اند از: تفسیر با گزاره‌های قطعی علوم، تناسب ظاهر آیه با گزاره علمی مربوطه، قرآن کتاب علوم طبیعی نیست. همچنین مبانی تفسیر علمی از منظر مروان شعبان عبارت‌اند از: استفاده از گزاره‌های علمی قطعی و مسلم، تخصص در علم تفسیر و همچنین علم جدید و عدم انحصار دلالت آیه بر مطلب علمی. در بخش ارزیابی عملکرد مفسران در استفاده از مبانی عبارت است از اینکه این مفسران اگرچه در اکثر موارد تفسیر علمی و انتساب اعجاز به آیات به‌درستی از مبانی استفاده کرده‌اند؛ اما در مواردی در به‌کارگیری مبانی دچار غفلت شده‌اند.

واژگان کلیدی: تفسیر علمی، اعجاز علمی، مبانی، مکارم شیرازی، مروان شعبان.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶.

۱. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش حقوق جامعه المصطفی ص العالمية؛ (hemmat110@yahoo.com).

۲. دانش‌آموخته دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی ص العالمية [نویسنده مسئول]؛ (fatemi.m110@yahoo.com).



مقدمه

مبانی تفسیر قرآن یکی از مهم‌ترین مباحث حوزه تفسیر و علوم قرآن به شمار می‌آید و همواره مورد توجه قرآن‌پژوهان و محافل علمی بوده است. مبانی تفسیر، باورها و اصول پذیرفته‌شده نزد مفسران است که نقش بسزایی در تفسیر آنان ایفا می‌کند. اختلاف مبانی مفسران در تفسیر آیات موجب اختلاف تفسیر آنها می‌شود، از این رو انتخاب مبانی صحیح و به‌کارگیری دقیق آن در تفسیر بسیار حائز اهمیت است. یکی از گرایش‌های تفسیری نوین (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱/۱)، تفسیر علمی به معنای استخدام علوم به جهت کشف بهتر معنای آیات و نمایش اعجاز و شگفتی قرآن کریم است. در این میان برخی از مفسران به سبب پذیرش مبانی ناصحیح در تفسیر علمی آیات به تطبیق و تحمیل نظریات علمی به قرآن پرداخته و در برخی موارد پس از کشف بطلان آن نظریه علمی به اصل قرآن ضربه زده‌اند. به‌عنوان مثال مفسری که بر اساس نظریه علمی هیئت بطلمیوسی، مطلبی را بر قرآن تطبیق داده است، پس از آشکار شدن بطلان این نظریه، چگونه می‌تواند از نبودن هرگونه خطا در قرآن دفاع کند. به‌رحال همان‌طور که تفسیر علمی با رویکرد به اعجاز علمی قرآن توانسته است قشر جدیدی از مخاطبین را مجذوب قرآن کریم کند، به همان نسبت می‌تواند چهره قرآن را مخدوش کند و این همه مبتنی بر مبانی و اصول تفسیری است که مفسران هرکدام از آنها بهره برده‌اند. در مورد مبانی تفسیر علمی تاکنون تحقیقات متعددی انجام شده که برخی از آنها به مبانی تفسیر علمی از منظر آیت‌الله مکارم نیز اشاره کرده‌اند؛ اما تحقیق مستقلی در مورد مبانی تفسیر علمی مروان شعبان و بررسی تطبیقی تفسیر علمی این دو مفسر وجود ندارد، از این رو این پژوهش حائز اهمیت است. هدف از این پژوهش آشنایی با مبانی تفسیر علمی با رویکرد به اعجاز علمی از منظر آیت‌الله مکارم و مروان شعبان و همچنین ارزیابی نحوه تفسیر علمی و انتساب اعجاز به آیات در تفاسیر ایشان است. از این رو این پژوهش ابتدا به کشف مبانی موردنظر آنها در تفسیر علمی می‌پردازد و آنگاه تفسیر علمی آنها را در چند آیه مهمی که هر دو مفسر آن آیات را معجزه علمی قرآن دانسته‌اند، از جهت به‌کارگیری مبانی مورد تأییدشان مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۱. مفهوم‌شناسی تفسیر علمی

درباره تفسیر علمی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. شاید بتوان منشأ این اختلافات را نوع نگاه اندیشمندان قرآنی به تفسیر علمی دانست، از این رو برخی تفسیر علمی را با نگاهی مثبت و پذیرشی و برخی با نگاهی منفی و انکاری نگریسته‌اند (رضایی‌اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۸۳: ۳۲۴ - ۲۹۲)، شاید بتوان دلایل مخالفان و موافقان تفسیر علمی را این‌گونه تقریر کرد:

یکم. دلایل مخالفان

۱. قرآن ناظر به دنیا نیست، بنابراین ناظر به علوم تجربی نیست؛ بلکه تماماً یا عمدتاً ناظر به جهان پس از مرگ و آخرت است.
۲. آرای علمی خطاپذیر است، بنابراین تفسیر علمی متزلزل و غیرقابل اعتماد است و باعث بی‌اعتمادی به دین می‌شود.
۳. تفسیر علمی همان تحمیل علم بر قرآن است؛ پس در تفسیر علمی، علم اصل است و قرآن فرع.

دوم. دلایل موافقان

۱. مطالب علمی و کشفیات جدید، موجب تبیین مسائل قرآن می‌شود و ما را در تفسیر قرآن کمک می‌کند.
۲. تفسیر علمی قرآن، موجب می‌شود که ایمان مردم مسلمان به قرآن، زیاد شود و حجت بر کفار تمام گردد.
۳. کشفیات جدید علمی، اعجاز قرآن را نشان می‌دهد که موجب جذب غیر مسلمانان به اسلام می‌شود. به نظر می‌رسد تعریف مناسب از تفسیر علمی باید واجد ویژگی‌های زیر باشد:
 - الف. عاری از تحمیل مطالب علمی بر قرآن باشد.
 - ب. ادعای وجود همه علوم در قرآن را نداشته باشد.
 - ج. تفسیر علمی مستند به گزاره‌های علمی ظنی نباشد.
 - د. قواعد معتبر تفسیری در آن رعایت شده باشد.با توجه به نکات فوق می‌توان تفسیر علمی را این‌گونه تعریف کرد: تفسیر علمی، تفسیری است که در آن مفسر با استفاده از قواعد مهم تفسیری و توجه به گزاره‌های علمی روز دنیا (شامل گزاره‌های قطعی، ظنی)، در فهم بهتر آیات و همچنین در استخراج برخی از علوم از قرآن (نظریه پردازی) و در نمایش شگفتی و اعجاز قرآن، کمک می‌کند.

۲. مبانی تفسیر علمی صحیح از نگاه دو مفسر

برخی از موافقان تفسیر علمی معتقدند تمام علوم در قرآن هست و خداوند متعال از بیان هیچ علمی در قرآن فروگذار نکرده است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۱۶: ۲/۲۵۸). آنان برای اثبات مدعای خویش به آیاتی نیز استناد کرده‌اند. «ما فَوَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام/۳۸)؛ «در این کتاب هیچ چیز را فروگذار نکرده‌ایم» «و تَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹)؛ «و این کتاب را برای بیان کردن هر چیزی بر تو نازل کردیم». استدلال آنان برای تأیید تفسیر علمی را می‌توان این‌گونه تقریر کرد: عبارت «من شیء» و «لکل شیء» در آیات مذکور عام است و همه چیز را شامل



می‌شود، بنابراین می‌توان گفت قرآن حاوی تمامی علوم است و از این رو برای فهم آیات قرآن و یا فهم علوم مختلفه از قرآن نیازمند تفسیر علمی هستیم. اینان خواسته یا ناخواسته با پذیرش این مبنا که قرآن شامل همه علوم است (غزالی، جواهر القرآن و درره، ۱۴۰۹: ۳۲). در تفسیر علمی قرآن مرکتب تحمیل می‌شوند. چنین اشخاصی پس از آگاهی از یافته‌های جدید علمی بشر، به دنبال آن هستند که اشاره‌ای از آن علم را در قرآن بیابند، از این رو در مواردی نظریات علمی را بر قرآن تحمیل می‌کنند و دچار تفسیر به رأی می‌شوند. در اینجا لازم می‌آید که مبانی تفسیر علمی صحیح از دیدگاه آیت‌الله مکارم و مروان شعبان مقایسه و بررسی شود.

یکم: دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی

آیت‌الله مکارم شیرازی، اشمال قرآن بر همه علوم را نمی‌پذیرد و به استدلال موافقین اشمال قرآن بر همه علوم این چنین پاسخ می‌دهد که کلمه «کتاب» در آیه ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (انعام/۳۸)؛ اگر به معنای قرآن باشد آنگاه مراد آیه شریفه آن است که در قرآن از هر چیزی که در هدایت و کمال انسان مؤثر است فروگذار نکرده است. ایشان در مورد آیه ﴿وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل/۸۹)؛ نیز معتقد است با توجه به اینکه قرآن کتاب هدایت و تربیت است مراد از ﴿تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾، بیان هر چیزی است که در مسیر هدایت و تربیت انسان است. ایشان در ادامه تصریح می‌کند که قرآن یک دائرةالمعارف بزرگ نیست که مشتمل بر جزئیات علوم ریاضی، فیزیک، شیمی و ... باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۱/۳۶۱).

البته ایشان تلویحاً وجود همه علوم در قرآن را به نحوی پذیرفته است. وی در کتاب قرآن و آخرین پیامبر این‌گونه نوشته است: «کلیات و اصول علوم و دانش‌ها و آنچه انگیزه انسان بر کشف و جستجوی اسرار طبیعت و قوانین آفرینش است در آن وجود دارد، نه جزئیات آنها» سپس در پاورقی آورده است «گاهی نیز گفته می‌شود که همه جزئیات به صورت مرموزی که تنها بندگان خاص خداوند از آن آگاه‌اند، در بطون قرآن هست اگر چه توده مردم از درک آن عاجزند» (مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر، ۱۳۸۵: ۱۴۹). آنچه مسلم است ایشان وجود همه علوم در قرآن به نحوی که ظاهر در آیات باشند را نپذیرفته است؛ از این رو قلمرو تفسیر علمی نزد ایشان محدود به آیاتی خاص است. بنابراین می‌توان گفت، یکی از مبانی مهم ایشان در تفسیر علمی این است که قرآن یک کتاب علوم طبیعی نیست؛ یعنی اولاً قرآن شامل تمام جزئیات علوم طبیعی نیست و ثانیاً هدف قرآن بیان و آموزش علوم طبیعی نیست؛ بلکه قرآن یک کتاب تربیت و هدایت است و هدف اصلی آن هدایت و تکامل بشر است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۱/۳۶۱).

آیت الله مکارم در تبیین این پرسش که آیا تطبیق آیات قرآن بر اکتشافات علمی صحیح است، اندیشمندان قرآنی را به افراطی‌ها، تفریطی‌ها و اعتدال‌گراها تقسیم کرده است. گروه افراطیون از نظر ایشان، کسانی هستند که آیات قرآن را با کمترین تناسب بر نظریات غیر قطعی علمی تطبیق کرده‌اند. سپس ایشان به اینان اشکال کرده است که تطبیق نظریات علمی‌ای که پیوسته در حال تغییر و تحول هستند بر قرآن که یک واقعیت ثابت است کار صحیحی نیست و ممکن است موجب وهن قرآن گردد (مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

در مقابل افراطیون گروه دیگری هستند که راه تفریط را پیموده‌اند، اینان معتقدند که تطبیق نظریات علمی بر آیات قرآن جایز ناست؛ به نظر اینان حتی تطبیق نظریات قطعی و مسلم نیز بر آیات قرآن صحیح نیست. آیت الله مکارم عقیده آنان را تعصب و جمود دانسته و در این باره معتقد است: «اگر راستی یک مسئله علمی بروشنی اثبات شده و از محیط فرضیه‌ها قدم به جان قوانین علمی گذارده و حتی گاهی جنبه حسی به خود گرفته مانند گردش زمین به دور خود، یا گردش زمین به دور آفتاب، و مانند وجود گیاهان نر و ماده و تلقیح در عالم نباتات و امثال این‌ها و از سوی دیگر آیاتی از قرآن هم صراحت در این مسائل داشته باشند؛ چرا از تطبیق این مسائل بر آیات قرآن سرباز زنیم و از این توافق که نشانه عظمت این کتاب آسمانی است وحشت داشته باشیم؟» (همان: ۱۵۰).

آنچه از کلام ایشان به دست می‌آید این است که ایشان دو مبنای دیگر برای تفسیر علمی را بیان فرمودند: اولاً اینکه در تفسیر علمی از قوانین علمی قطعی و مسلم استفاده شود و ثانیاً آیات قرآن ظاهر در این مطالب باشد؛ بنابراین می‌توان گفت مبانی ایشان در تفسیر علمی عبارت‌اند از:

- ۱- قرآن کتاب علوم طبیعی نیست و در مقام بیان همه جزئیات علوم ناست.
- ۲- قرآن کتاب هدایت است و در مقام بیان هر آنچه است که انسان برای تکامل و هدایتش به آن نیاز دارد.
- ۳- قرآن شامل برخی از جزئیات علوم طبیعی و در مقام بیان آنان است.
- ۴- برای تفسیر آیات علمی قرآن به دو نکته باید توجه نمود یک اینکه تنها از گزاره‌های علمی قطعی و مسلم استفاده شود و دو اینکه این مطالب علمی با ظاهر آیات کاملاً سازگار باشد.
- ۵- استفاده از واژه احتمال در برخی از نمونه‌های تفاسیر علمی لازم است.

دوم: دیدگاه مروان وحید شعبان

«مروان وحید شعبان التفتنازی» یکی از اندیشمندان سوری متولد ۱۹۷۴ میلادی است که موفق شد رساله دکترای خود را در تفسیر و علوم قرآنی با عنوان «الماء بین الآيات القرآنية والحقائق العلمية» به نگارش درآورد. یکی از آثار وی کتابی با عنوان «الاعجاز القرآنی فی ضوء الاكتشاف العلمی الحدیث»



است که به بررسی اعجاز علمی قرآن کریم در پرتو اکتشافات علم جدید می‌پردازد. وی در این کتاب در ابتدا به بررسی تاریخی موضوع اعجاز قرآن کریم پرداخته و پس از آن به تطبیق اکتشافات دانش جدید با اعجاز علمی قرآن کریم می‌پردازد. وی در فصل چهارم کتاب خویش در بخش ضوابط تفسیر علمی قرآن، مواردی را تحت عنوان ملاکات و قیود تفسیر علمی بیان کرده است (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۱۶۱)؛ که می‌توان به نوعی آنها را مبانی تفسیر علمی مورد پذیرش وی قلمداد کرد. یکی از مبانی تفسیری آقای شعبان استفاده از گزاره‌های علمی مسلم و قطعی است. وی معتقد است از فرضیات و نظریات در تفسیر علمی نمی‌توان استفاده کرد؛ زیرا فرضیات قابلیت ابطال دارند و ممکن است تأیید و یا ابطال شوند. همچنین نظریات علمی نیز قابل اخذ و رد هستند، ولی هنگامی که این فرضیه و یا نظریه به یک حقیقت یقینی علمی تبدیل شد آنگاه می‌توان از آن حقیقت علمی در تفسیر علمی قرآن بهره برد.

شعبان به عنوان دومین مطلب مبنایی و مورد پذیرش خود به عدم تعارض علم قطعی و قرآن کریم اشاره کرده و معتقد است، میان حقائق قطعی علمی و قرآن تعارضی وجود ندارد؛ زیرا قرآن حق است. حقائق علمی نیز حق هستند و هر دو از یک جا نشأت می‌گیرند که همان وجود خداوند متعال است. همان بحثی که می‌توانست به عنوان چالشی در مسیر تفسیر علمی تلقی گردد.

مطلب دیگری که می‌توان آن را از مبانی تفسیری شعبان دانست، توجه به لزوم تخصص لازم و کافی برای تفسیر و استظهار صحیح از آیات قرآن است. ارزش و اهمیت این مبنا به نوعی با ملاحظه تفاسیر علمی‌ای که در طول تاریخ توسط غیر متخصصان به علم تفسیر، نوشته شده است و به خطا رفته‌اند و به نوعی موجب وهن قرآن شده‌اند، بیشتر روشن می‌شود.

دیگر مبنای وی اینکه شعبان معتقد است، مفسر تفسیر علمی باید بداند که احاطه مطلق بر مراد کلام خدا ممکن نیست؛ بنابراین یک مفسر علمی هنگام تطبیق حقیقت علمی قطعی بر آیات قرآن ناگزیر است از مسیری خاص برود و نمی‌تواند نسبت به تفسیرش جازم باشد. اگر آیه شریفه بر اساس علوم ادبی و تفسیری دلالت‌های متعددی داشته باشد و آن حقیقت علمی با یکی از آن دلالت‌ها نزدیک باشد می‌توان آن دلالتی را ترجیح داد که مطابق با آن گزاره علمی است، ولی نباید دلالت‌های دیگر را باطل دانست. به عبارتی نباید آیه شریفه را تنها در دلالت بر گزاره علمی منحصر کرد (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۱۶۳). از نظر شعبان مفسر علمی باید علاوه بر تخصص در علم تفسیر، متخصص در آن علم جدید نیز باشد (همان). آنچه شعبان به عنوان مبنا بیان کرده است، به نوعی یک قاعده عقلی - عقلایی است که این قاعده به نوعی بیانگر رجوع جاهل به عالم است. بنابراین مثلاً مفسری که می‌خواهد آیه‌ای از قرآن را با گزاره علمی نجوم تفسیر کند، باید یا خود متخصص در تفسیر و متخصص در نجوم باشد و یا اینکه قول خود را مستند به قول متخصص نجوم کند.

آخرین مبنایی که مورد نظر شعبان است، این است که قرآن کتاب هدایت است، از این رو قرار نیست تمام مطالب علمی و یا جزئیات علمی را در قرآن بیابیم. وی معتقد است تنها هدف قرآن کریم از طرح مطالب مختلف عقیدتی، حقوقی، اخلاقی و... هدایت انسان به سوی حق المبین است که البته یکی از اصناف هدایت در قرآن بیان مطالب علمی و طبیعی است. خداوند متعال قسمتی از قرآن کریم را به بیان مطالب علمی و طبیعی اختصاص داده است تا عظمت خالقش را به رخ کشد و راهنمایی باشد بر این مطلب که قرآن نمی تواند جز حاصل از وحی باشد و به این وسیله وحیانی بودن قرآن روشن شود و غیر مسلمانان نیز بر حقانیت آن پی ببرند (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۱۶۴ - ۱۶۵).
به طور خلاصه مبانی وحید شعبان در تفسیر علمی عبارت اند از:

- ۱- استفاده از حقائق علمی قطعی در تفسیر علمی؛
- ۲- عدم وجود تعارض بین قرآن و حقائق علمی قطعی؛
- ۳- آشنایی تخصصی مفسر تفسیر علمی با علوم ادبی عربی و علوم مورد نیاز تفسیر؛
- ۴- آشنایی تخصصی مفسر تفسیر علمی با علوم جدید؛
- ۵- بیان واژه احتمال در تفسیر؛
- ۶- قرآن کتاب هدایت است نه صرفاً یک کتاب علمی باشد.

۳. مواردی از تفسیر علمی در تفسیر نمونه و کتاب الاعجاز القرآنی

در این بخش به مواردی از آیات اشاره شده است که در آنها آیت الله مکارم و شعبان به تفسیر علمی این آیات پرداخته و به نوعی به اعجاز علمی اذعان کرده اند. با مطالعه مبانی این دو مفسر در تفسیر علمی آیات مورد نظر، روشن می شود که ایشان تا چه حد بر مبانی خود توجه داشته اند.

یکم: حرکت زمین

یکی از نمونه های تفسیر علمی آیت الله مکارم در تفسیر نمونه و شعبان در الاعجاز القرآنی، تفسیر آیه شریفه ۸۸ سوره نمل است که هر دو مفسر این آیه را بیانگر اعجاز علمی قرآن دانسته اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۵۶۹/۱۵ و شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۲۶۳).
﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدًا وَهِيَ ثَمَرٌ مِّمَّا السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ (نمل/۸۸)؛ «کوهها را می بینی و آنها را ساکن و جامد می پنداری در حالی که مانند ابر در حرکت اند این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده او از کارهایی که شما انجام می دهید آگاه است».



الف. تفسیر علمی آیت‌الله مکارم

آیت‌الله مکارم معتقد است این آیه به حرکت زمین و گردش سریع آن تصریح کرده است (مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر، ۱۳۸۵: ۱۵۴)؛ و این درحالی است که بسیاری از مفسران این آیه را مشیر به حوادث قیامت دانسته‌اند. از نظر ایشان حرکت سریع کوه‌ها حاصل همان انفجار و متلاشی شدن کوه‌ها در قیامت است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۷۰/۷؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۹۱/۱۵؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۳۸۷/۳ و...). این دسته از مفسران قرینه سیاق را که ناظر به احوال قیامت است را دلیل استظهار خود عنوان کرده‌اند.

استظهار آیت‌الله مکارم از آیه شریفه کاملاً مخالف این مفسران است. ایشان با شمردن قرائنی، مدعی هستند که این آیه مربوط به این دنیا و حرکت زمین است و اشاره‌ای به قیامت ندارد و مفسرانی که بدون هیچ قرینه روشنی این آیه را مربوط به حوادث قیامت دانسته‌اند، به خطا رفته‌اند (مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر، ۱۳۸۵: ۱۵۶)؛ قرائنی که ایشان برای اثبات مدعای خویش بیان داشته است عبارت‌اند از:

۱. عبارت «تحسبها»: تحسبها از ریشه «حسب» به معنای گمان است (فیومی، المصباح المنیر، بی تا: ۱۳۴/۲)؛ بنابراین معنای این عبارت گمان می‌کنی می‌شود که این معنا با آیاتی که راجع به قیامت است سازگاری ندارد؛ زیرا آیات قیامت با گمان کردن و شک کردن نمی‌سازد، حوادث آن روز به قدری سخت و مشهود است که انسان به عینه شاهد آن حوادث است و از آن حوادث متأثر می‌گردد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۵۶۸/۱۵).

۲. عبارت «وَهِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ»: در این عبارت حرکت کوه‌ها به حرکت ابرها تشبیه شده است. آنچه آیت‌الله مکارم از این تشبیه استظهار کرده بدین شکل است که مشبه به در این عبارت، حرکت ابرها است که نماد آرامش و یکنواختی است و این آرامش و یکنواختی با حوادث خشن قیامت سازگاری ندارد؛ ایشان این‌گونه بیان کرده است: «تشبیه به حرکت ابرها متناسب حرکات یکنواخت و نرم و بدون سرو صدا است، نه انفجارهای عظیمی که صدای رعد آسایش، گوش‌ها را کر می‌کند» (همان).

۳. کلمه «اتقان»: یکی دیگر از قرائنی که آیت‌الله مکارم آیه را مربوط به دنیا و حرکت زمین دانسته است، معنای کلمه اتقان است که با شرایط قیامت که عدم اتقان است تناسبی ندارد. ایشان این‌گونه می‌نویسد: «تعبیر به «اتقان» که به معنای منظم ساختن و محکم نمودن است نیز تناسب با زمان برقراری نظام جهان دارد، نه زمانی که این نظام فرو می‌ریزد و متلاشی و ویران می‌گردد» (همان).

۴. عبارت «إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» نیز از قرائن استظهار آیت الله مکارم است. ایشان در این باره نوشته است: «با توجه به اینکه «تفعلون» فعل مضارع است نشان می دهد که مربوط به این دنیا است؛ چراکه می گوید: او از اعمالی که شما در حال و آینده انجام می دهید با خبر است و اگر مربوط به پایان این جهان بود می بایست گفته شود (ما فعلتم) (کاری که انجام دادید)» (همان).

صاحب تفسیر نمونه پس از اثبات اینکه آیه مذکور مربوط به قیامت و حوادث آن نیست، بیان داشته است که آیه به حرکت کوهها اشاره دارد و حرکت کوهها بدون حرکت زمین ممکن نیست، پس درحقیقت به حرکت زمین اشاره دارد که به نحوی اعجازگونه است. وی در این باره نوشته است: «بهرحال آیه فوق از معجزات علمی قرآن است؛ زیرا می دانیم نخستین دانشمندانی که حرکت کره زمین را کشف کردند، گالیله ایتالیایی و کپرنیک لهستانی بودند که در اواخر قرن ۱۶ و اوائل ۱۷ میلادی این عقیده را بر ملا ساختند... ولی قرآن مجید حدود یکهزار سال قبل از آنها، پرده از روی این حقیقت برداشت، و حرکت زمین را به صورت فوق به عنوان یک نشانه توحید مطرح ساخت» (همان).

ب. تفسیر علمی مروان شعبان

شعبان نیز همانند آیت الله مکارم این آیه را یکی از آیاتی دانسته است که بیانگر اعجاز علمی قرآن است. وی ابتدا به گزاره علمی مربوطه اشاره کرده و این مطلب علمی را از دیدگاه چنداندیشمند علم نجوم بیان داشته است و به نوعی با این کار می خواسته گزاره علمی موردنظرش را محکم و مسلم جلوه دهد. شعبان همچنین در ارتباط با دلالت آیه بر حرکت زمین این گونه نوشته است: آیه مزبور دلالت صریح بر حرکت کوهها و بالتبع حرکت زمین دارد، چون کوهها سوار بر زمین هستند و در حرکت تابع آن هستند، پس حرکت کوهها یعنی حرکت زمین و اینکه مفسران قدیمی چنین دلالتی را نفهمیده اند (فیروزآبادی، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، ۱۴۱۶: ۳۶۴/۲؛ جرجانی، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۳۰: ۴۱۶/۲؛ بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۵۱۹/۳؛ صاوی، حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، ۱۴۲۷: ۱۳۵/۳؛ شوکانی، فتح القدر، ۱۴۱۴: ۴۴۱/۵). به خاطر عدم آشنایی آنان با علوم روز بوده است از این رو آنان، آیه شریفه را حمل بر حوادث قیامت کرده اند و اینکه در قیامت کوهها حرکت می کنند و متلاشی می شوند (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۲: ۶۰) شعبان انتهای آیه «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَّ كَلَّ شَيْءٍ» که به اتقان صنع خداوند اشاره دارد و مخاطبان را به تأمل و تفکر در خلقت استوار و مستحکم خداوند فرا خوانده است را به عنوان قرینه ای بر دلالت آیه بر حرکت زمین دانسته است (همان).



شعبان در انتها به اعجاز علمی این آیه نیز اشاره کرده است و معتقد است، اینکه قرآن کریم کوه‌ها را دارای حرکت دانسته است؛ یعنی زمین حرکت می‌کند و این حقیقتی است که علم جدید صدها سال پس از نزول قرآن آن را کشف کرده است (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۲۶۳).

ج. بررسی

استفاده از گزاره علمی قطعی در تفسیر علمی به‌عنوان مبنای مورد پذیرش هر دو مفسر در تفسیرشان مشاهده می‌شود. البته اینکه بتوان برخی از علوم تجربی را به علوم قطعی ملحق کرد محل بحث است؛ زیرا اگر چه برخی علوم تجربی به مرحله حسی شدن هم رسیده‌اند؛ اما از آنجا که حواس انسان نیز خطا می‌کند، به نظر می‌رسد یافتن گزاره علمی قطعی در علوم تجربی ممکن نباشد، مگر اینکه گفته شود مراد مفسران علمی از علم قطعی علم اطمینان‌آور است که در این صورت لازم است در تطبیق آن گزاره‌ها بر آیات قرآن از عبارت (احتمال دارد) در تفسیرشان استفاده کنند که اگر خلاف آن گزاره علمی ثابت شد صدمه‌ای به قرآن وارد نیاید.

در مورد مبنای دیگر مورد تأیید دو مفسر یعنی لزوم تناسب ظاهری آیه شریفه با گزاره علمی می‌توان گفت آیت‌الله مکارم با استظهار از مفردات و ترکیب آیه سعی کرده است تناسب ظاهری آیه با گزاره علمی را به خوبی اثبات کند، شعبان نیز بر ظهور آیه بر حرکت زمین تصریح کرده است. در این باره می‌توان گفت استظهار از آیه یک مسئله شخصی نیست و اگر مفسران زیادی ظهور آیه را در حوادث قیامت دیده‌اند، خود نشان از استظهار متفاوتی دارد که می‌تواند بیان این دو مفسر را تحت الشعاع قرار دهد. در تأیید تفسیر آیه شریفه بر حوادث قیامت می‌توان به قرینه سیاق آیات اشاره نمود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۴۰۱/۱۵)؛ که خود عاملی ظهورساز است که در اینجا مورد توجه این دو مفسر نبوده است، در حالی که صاحب تفسیر نمونه خود بارها از این قرینه در استظهار آیات استفاده کرده است (ن: ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴۳۷/۱۴؛ ۴۴۴/۲۳؛ ۳۹۵/۲۶ و ...). همچنین در مورد ظاهر خود آیه نیز می‌توان گفت عبارت (تحسبها جامده) یک جمله معترضه و یا یک جمله حالیه است که این چنین معنا می‌شود که ای پیامبر این کوه‌ها را که در دنیا جامد و ثابت می‌پنداری در قیامت همچون حرکت ابرها به حرکت در می‌آیند و یا درباره «صُنِعَ اللَّهُ الْذِي أَتَقَنَ» می‌توان گفت این قسمت آیه اشاره به صنعت خداوند در فنای دنیا و پیدایش قیامت دارد؛ یعنی نابودی دنیا که مقدمه تشکیل قیامت است به‌عنوان صنعت متقن خداوند محسوب می‌شود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۴۰۱/۱۵).

حاصل اینکه استظهار از آیه شریفه می تواند به گونه ای باشد که با گزاره علمی سازگاری نداشته باشد به هر حال احتمال صحت این تطابق می رود و لازم است در تفسیر علمی آیه و تطبیق گزاره علمی حرکت زمین بر آن از عبارت (احتمال دارد) استفاده شود.

دوم: جاذبه زمین

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...﴾ (رعد/۲)؛ «خدا همان کسی است که آسمان ها را، بدون ستون هایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت».

الف. تفسیر علمی آیت الله مکارم

آیت الله مکارم در تفسیر علمی این آیه از گزاره علمی وجود جاذبه بین کرات و سیارات استفاده کرده است. وجود جاذبه یکی از گزاره های قطعی علمی است و ظاهر آیه نیز با این گزاره علمی سازگار است؛ از این رو برخی دیگر از مفسران نیز به تفسیر علمی آیه و اشاره آیه به نیروی جاذبه پرداخته اند (قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۷: ۳۲۸/۲؛ عاملی، تفسیر عاملی، ۱۳۶۰: ۱۳۱/۷؛ بلاغی، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، ۱۳۸۶: ۶۹/۷؛ رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۲۰۸/۱۶).

آیت الله مکارم در تفسیر عبارت «غَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» نسبت به اینکه ترونها صفت عمد است (ستون نامرئی) و یا صفت بغیر عمد (بدون هرگونه ستون)، هر دو وجه را بیان کرده است و آنگاه به وسیله روایتی که ستارگان را با ستون هایی از نور به هم مربوط دانسته (قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۷: ۵۷۴/۲)، قول ستون نامرئی را ترجیح داده است. ایشان این آیه را یکی دیگر از آیات بیانگر معجزه علمی قرآن دانسته است (مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر، ۱۳۸۵: ۱۶۸) و معتقد است:

«این آیه با توجه به حدیثی که در تفسیر آن وارد شده است، پرده از روی یک حقیقت علمی برداشته که در زمان نزول آیات، بر کسی آشکار نبود... ولی حدود هزار سال بعد از نزول این آیات، علم و دانش بشر به اینجا رسید... که کرات آسمان هر کدام در مدار و جایگاه خود، معلق و ثابت اند، بی آنکه تکیه گاهی داشته باشند، و تنها چیزی که آنها را در جای خود ثابت می دارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است که یکی ارتباط با جرم این کرات دارد و دیگری مربوط به حرکت آنهاست (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۰/۱۰).



ب. تفسیر علمی مروان شعبان

آقای شعبان نیز این آیه را بیانگر اعجاز علمی قرآنی دانسته است (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۲۷۰). شعبان در تفسیر این آیه نیز ابتدا به بیان گزارشی علمی از نیروی جاذبه از زبان دانشمندان علوم طبیعی پرداخته (همان: ۲۶۸-۲۶۹)، آنگاه با استناد به اقوال دانشمندان نیروی جاذبه را به خوبی تبیین کرده و سپس استظهار و تفسیر برخی از مفسران را آورده است (همان: ۲۶۸)؛ به عبارتی می‌خواسته نشان دهد ظاهر آیه با این گزاره علمی سازگار است. شعبان در قسمتی از تفسیر این آیه به نعمت بودن نیروی جاذبه و آثار و اهمیت فوق العاده این نعمت اشاره کرده و به نوعی با این بیان خواسته به مبنای دیگر یعنی اینکه قرآن کتاب هدایت است اشاره کرده باشد (همان: ۲۶۴)؛ همچنین مطابق با مبنای دیگر شعبان یعنی عدم حصر آیه در گزاره علمی، شعبان با نقل از برخی از مفسران به نوعی دلالت‌های دیگر را نیز مطرح کرده است، اگرچه روشن‌ترین دلالت را همان گزاره علمی دانسته است (همان: ۲۶۸).

ج. بررسی

آیت‌الله مکارم و مروان شعبان هر دو آیه را به‌عنوان معجزه علمی قرآنی دانسته‌اند و معتقدند از آنجا که نیروی جاذبه صدها سال بعد از قرآن کریم کشف گردید، بیان نیروی جاذبه توسط این آیه معجزه است.

در مورد گزاره علمی جاذبه، فرض ما این است که این یک گزاره علمی یقینی است و ظاهر آیه شریفه نیز بر آن دلالت دارد؛ به عبارتی مفسران مذکور به مبنای خویش در انتخاب گزاره علمی قطعی و تناسب ظاهر آیه با آن به درستی عمل کرده‌اند؛ تنها نکته‌ای که به ذهن می‌رسد استفاده از واژه احتمال در تفسیر است که هر دو مفسر از آن غفلت کرده‌اند. از آنجایی که ایستایی کرات در فضا در فواصل مشخص می‌تواند سبب دیگری غیر از جاذبه نیز داشته باشد و یا اینکه خداوند آسمان‌ها را بدون هیچ گونه ستونی چه مرئی و چه نامرئی برافراشته است، کما اینکه برخی از مفسران اینگونه نیز استظهار کرده‌اند (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۴/۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴۹۰/۸). بنابراین شایسته است مفسر با واژه احتمال به تطبیق گزاره علمی بر آیه بپردازد. البته بیان تفسیر دیگری برای آیه مبنی بر اینکه آسمان‌ها بدون هرگونه ستونی برافراشته‌اند خود به نوعی نشان از آن است که این دو مفسر در تطبیق‌شان قاطع نیستند. در ضمن روایتی که آیت‌الله مکارم در تأیید تفسیر علمی خویش از آن بهره برده است یک روایت مرسل است که از لحاظ سندی می‌تواند محل اشکال باشد.

سوم: گسترش زمین

﴿وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ﴾ (رعد/۳)؛ «او کسی است که زمین را گسترش داد».

الف. تفسیر علمی آیت‌الله مکارم

آیت‌الله مکارم در تفسیر این بخش از آیه به دو احتمال اشاره کرده است. احتمال اول همان احتمالی است که برخی مفسران بیان داشته‌اند که مراد از «مد الارض» این است که خداوند زمین را برای زندگی بشر آماده کرد و گودال‌های آن را با بلندی‌های آن پر کرد، به گونه‌ای که برای زندگی مناسب باشد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۹۱/۱۱)؛ و احتمال دوم را با اشاره به نکته علمی بیان داشته است و آن اینکه دانشمندان معتقدند تمام زمین زیر آب بوده و به مرور با کم شدن آب برخی از قسمت‌های زمین خشک شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۱۳/۱۰). برخی از مفسران بدون اشاره به گزاره علمی به این مطلب در تفسیرشان اشاره کرده‌اند و مد الارض را توسعه خشکی معنا کرده‌اند (سمرقندی، بحر العلوم، بی تا: ۲۱۶/۲؛ دینوری، الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۲۴: ۳۹۸/۱؛ ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۱۴۲۲: ۴۸۱/۲).

ب. تفسیر علمی شعبان

شعبان در تفسیر علمی این آیه ابتدا با بیان آیات دیگر همچون (شمس/۶، نازعات/۳۰، زمر/۵) با بررسی لغوی و تفسیری کلمات (طحی ودحی و مد و طور) و اینکه مفسران این کلمات را به معنای بسط و توسعه معنا کرده‌اند، نتیجه گرفته آنچه این آیات صریحاً بدان اشاره کرده‌اند بسط و توسعه زمین است و آنچه به آن به طور ضمنی اشاره کرده‌اند، کرویت زمین است (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۲۴۸-۲۵۴). کرویت زمین چگونه از بساطت و پهن بودن زمین فهمیده می‌شود؟ شعبان در پاسخ به این سؤال این گونه بیان داشته که اینکه انسان در هر نقطه از زمین بایستد، زمین را پهن و گسترده می‌بیند، تنها با کرویت زمین سازگار است؛ زیرا اگر زمین کروی نباشد، بایستی جاهایی از آن باشد که انتهای آن دیده شود (همان: ۲۵۲). شعبان همچنین این آیه را نیز از معجزات علمی قرآن دانسته است و بیان داشته که قرآن کریم صدها سال قبل از اینکه علم بشر به کروی بودن زمین پی ببرد بدان اشاره کرده است (همان: ۲۵۴).

ج. بررسی

آیت‌الله مکارم در تفسیر علمی این آیه به یک گزاره علمی یعنی توسعه خشکی زمین اشاره کرده و با واژه احتمال به تفسیر آن پرداخته است. به نظر می‌رسد از آنجایی که این گزاره علمی، یک گزاره



قطعی نیست، ایشان به درستی در تطبیق آن بر آیه از واژه احتمال استفاده کرده است. مبنای دیگر ایشان یعنی تناسب ظاهر آیه با گزاره علمی نیز در این تفسیر رعایت شده است؛ زیرا کلمه «مد» در لغت به معنای زیاد شدن و توسعه آمده است (فیومی، المصباح المنیر، بی تا: ۵۶۶/۲)؛ که اگر معنای ارض را همان خشکی زمین بدانیم، معنای عبارت «مد الارض» این می‌شود که خشکی‌های زمین را زیاد کرد؛ یعنی با خشک کردن برخی از مناطق زمین بر گستره خاکی زمین افزود.

مروان شعبان آیه شریفه را بیانگر کرویت زمین دانسته است که به‌عنوان یک گزاره علمی قطعی و مسلم مطرح است و این مطلب را با بیان اقوال برخی از دانشمندان علوم طبیعی تأیید کرده است (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۲۵۳)؛ که این با مبنای او یعنی استفاده از گزاره‌های علمی قطعی در تفسیر سازگار است؛ آنگاه به بیان مفسران و معنای ظاهری آیه اشاره کرده است که همان مبنای استفاده از متخصصین است. به نظر می‌رسد شعبان در استفاده از مبنای دیگر مورد تأییدش، یعنی عدم حصر آیه در معنای موردنظر خوب عمل نکرده است. وی با بیان قرائنی سعی دارد معنای کرویت زمین را بر آیه تطبیق دهد و از عبارت احتمال دارد نیز استفاده نکرده است.

چهارم. زوجیت گیاهان

﴿وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُزُقِينَ اثْنَيْنِ﴾ (رعد/۳)؛ «و از تمام میوه‌ها دو جفت در زمین قرار داد».

الف. تفسیر علمی آیت‌الله مکارم

آیت‌الله مکارم با تفسیر علمی این آیه به وجه اعجاز گونه آن اشاره کرده و معتقد است آیه شریفه بر زوجیت گیاهان اشاره دارد و از آنجایی که زوجیت گیاهان حدود سه قرن پیش توسط لینه کشف گردید، بیان آیه شریفه قرن‌ها قبل از آن نشان از اعجاز علمی قرآن است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۱۵/۱۰).

برخی از مفسران معتقدند، آنچه آیه شریفه بیان داشته است، زوجیت میوه‌ها است نه گیاهان (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۹۲/۱۱). مفسران، زوجیت میوه‌ها در این آیه را بدین شکل بیان داشته‌اند: میوه‌ها و محصولات زمینی که خوراک مردم است، بر دو نوع، آفریده شده‌اند: سیاه و سفید، شیرین و ترش، تابستانه و زمستانه، تر و خشک (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۹۲/۱۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴۲۳/۶؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۵۱۲/۲؛ فخررازی، تفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۷/۱۹).

ب. تفسیر علمی شعبان

شعبان نیز این آیه را در بیان زوجیت گیاهان، از آیات دال بر اعجاز علمی قرآن دانسته و معتقد است «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» اشاره به آن دارد که همه ثمرات و میوه‌ها حاصل ازدواج دو عنصر مذکر و مؤنث است. چه هر دو این عناصر در یک گیاه باشند یا اینکه عنصر نر در یک گیاه و عنصر ماده در گیاه دیگر باشد. به هر حال علم بیولوژی صدها سال پس از نزول قرآن بدین مطلب علمی رسید و آن را کشف کرد (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۱۲۸).

ج. بررسی

تطبیق زوجیت گیاهان به عنوان یک گزاره علمی قطعی بر آیه شریفه مستلزم تناسب ظاهر آیه شریفه با آن گزاره است که در این مورد به نظر می‌رسد آیه شریفه در زوجیت میوه‌ها ظهور دارد، نه گیاهان (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۹۲)؛ و به همین سبب است که مفسران دیگر نیز از آیه شریفه زوجیت میوه‌ها را فهمیده‌اند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۹۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۶/۴۲۳؛ زمخشری، الکشاف ۱۴۰۷: ۲/۵۱۲؛ فخررازی، تفسیر الکبیر، ۱۹: ۷/۱۴۲۰).

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به تفسیر دیگر آیه، یعنی زوجیت میوه‌ها و همچنین با فرض اینکه ثمرات بر گیاهان نیز اطلاق می‌شود، همچنانکه در آیه (نحل/۶۹) خداوند می‌فرماید: ما به زنبور عسل وحی کردیم که از تمام ثمرات تناول کن «کَلِّیْ مِنْ کُلِّ الثَّمَرَاتِ» خطاب به زنبور عسل است و قدر مسلم اینکه زنبور از گل‌ها و گیاهان نیز استفاده می‌کند، پس ثمرات بر گیاهان نیز اطلاق می‌شود. تطبیق زوجیت گیاهان بر آیه مطابق ظاهر آیه هست؛ اما استفاده از عبارت احتمال دارد ضروری است؛ زیرا زوج در لغت و اصطلاح فقط به نر و ماده اطلاق نمی‌شود (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۲/۲۸۶)؛ و شاید مراد از زوج در این آیه نیز چیزی غیر از نر و ماده باشد، کما اینکه بسیاری از مفسران اینگونه فهمیده‌اند. در مورد تفسیر شعبان می‌توان گفت مبنای تفسیری شعبان این است که ظاهر آیه با مطلب علمی سازگار باشد و حال اینکه ظاهر آیه سازگاری صددرصدی با این مطلب علمی ندارد و نکته دیگر ایشان دلالت آیه را بر این مطلب علمی منحصر کرده است که خلاف مبنای تفسیری وی است.

پنجم: حرکت خورشید

یکی دیگر از مواردی که آیت‌الله مکارم شیرازی و مروان شعبان به تفسیر علمی آن پرداخته‌اند و آن را معجزه علمی قرآن دانسته‌اند، آیه ۳۸ سوره یس است:



﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (یس/۳۸)؛ «و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته بسوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند قادر و داناست».

الف. تفسیر علمی آیت‌الله مکارم

آیت‌الله مکارم در ابتدای تفسیر این آیه بیان می‌دارد که این آیه به حرکت خورشید تا قرارگاهش اشاره دارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۸۱/۱۸). آنگاه نظر برخی از مفسران را جمع به حرکت خورشید را بیان کرده است. برخی می‌گویند آیه شریفه دلالت بر حرکت ظاهری خورشید دارد که تا پایان دنیا ادامه دارد. برخی نیز معتقدند منظور از حرکت خورشید در آیه، در واقع اشاره به تمایل خورشید در تابستان و زمستان به سوی شمال و جنوب زمین است. برخی دیگر از مفسران می‌گویند مراد از حرکت خورشید در آیه همان حرکت وضعی خورشید است؛ یعنی حرکت خورشید به دور خود. سپس آیت‌الله مکارم به جدیدترین یافته بشری در ارتباط با حرکت خورشید اشاره می‌کند و آن را جدیدترین تفسیر آیه دانسته است و آن اینکه خورشید با منظومه شمسی به سمت ستاره «وگا» در حرکت‌اند (همان: ۳۸۲/۱۸).

آیت‌الله مکارم پس از بیان احتمالات متعدد تفسیری این آیه، تمام احتمالات مطرح‌شده را برای تفسیر آیه ممکن دانسته است و معتقد است، تمامی این معانی و یا حتی معانی دیگری که علم هنوز به آن نرسیده است را می‌توان به آیه شریفه نسبت داد (همان).

در جای دیگر مفسر گرامی به حرکت دورانی و طولی خورشید اشاره کرده است، حرکت دورانی از ماده «دور» و حرکت طولی از ماده «جری» فهمیده می‌شود و قرآن کریم برای خورشید هم حرکت دورانی و هم حرکت طولی قائل شده است (همان: ۳۸۸/۱۸).

ب. تفسیر علمی شعبان

شعبان نیز این آیه را یکی از معجزات علمی قرآن دانسته است (شعبان، الاعجاز القرآنی، ۲۰۰۶: ۲۱۶). از نظر شعبان آیات (لقمان/۲۹؛ ابراهیم/۳۳؛ یس/۳۸)، همگی به طور واضح بر حرکت خورشید در آسمان اشاره دارند. همان‌گونه که تا چندی پیش تصور می‌شد خورشید ثابت و بی‌حرکت است و زمین و سیارات دیگر به دور آن می‌چرخند.

شعبان معتقد است کلمه تجری در آیه شریفه خود یک معجزه عظیم است (همان: ۲۱۲). وی معتقد است که کلمه «تجری» بر حرکت ظاهری خورشید دلالت ندارد و فقط بر حرکت واقعی و حقیقی خورشید دلالت دارد (همان: ۲۱۲). فعل تجری بر سرعت زیاد خورشید نیز دلالت دارد چون جری از مثنی و سیر سریع‌تر است و این سرعت زیاد خورشید که همراه با نیروی جاذبه زیادی است کواکب دیگر را نیز با خورشید همراه می‌سازد.

شعبان در ادامه بیان می‌دارد، آنچه از این آیه و آیات مشابه فهمیده می‌شود این است که خورشید با سرعت منظمی در حرکت است و در زمانی از حرکت می‌ایستد که آن زمان را هیچ کسی جز خداوند نمی‌داند (همان: ۲۱۴). وی به اقوال علمای نجوم نیز در مورد حرکت‌های خورشید اشاره کرده است (همان: ۲۱۴)؛ تا بتواند از این رو و وجهه اعجازگونه قرآن را بهتر تبیین کند. وی در انتهای تفسیرش می‌نویسد: کسی که در آیه مزبور و همچنین آیه «كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبُحُونَ» تأملی کند، تطابق شگفت‌انگیز گزاره‌های علمی را با این آیات درک می‌کند و اینکه دلالت این آیه جری و حرکت حقیقی خورشید است، نه حرکت ظاهری. دلالت این آیات بر حرکات مختلف خورشید همه اهل فکر و اندیشه را متحیر می‌کند و اهل انصاف را به اقرار به عظمت قرآن و می‌دارد (همان: ۲۱۶).

ج. بررسی

آیت الله مکارم در تفسیر علمی خود از گزاره قطعی علمی استفاده کرده است و آنگاه با توجه به قواعد تفسیری و لغوی با استظهار از کلمه «تجری» در آیه شریفه و همچنین کلماتی مثل «یسبحون» در آیات دیگر به حرکات خورشید در قرآن اشاره کرده است. یکی دیگر از مبانی ایشان انتساب احتمالی علوم جدید به قرآن است که ایشان در تفسیر این آیه به خوبی رعایت کرده است. در آنجایی که می‌نویسد احتمالات مختلف تفسیری در ارتباط با حرکت خورشید و همچنین احتمالاتی که ممکن است در آینده کشف گردد می‌تواند به عنوان تفسیر و معنای آیه شریفه مطرح باشد. ایشان با این بیان در واقع احتمال خطای تفسیر علمی را رفع می‌کند به این بیان که اگر مثلاً در آینده علم جدید چیزی برخلاف گزاره‌های علمی امروز راجع به حرکت خورشید بیان کرد خدشه‌ای بر قرآن وارد نمی‌آید و این بیان در واقع یکی از اشکالات عمده تفسیر علمی را مرتفع می‌کند.

اینکه شعبان در این تفسیر علمی گزاره‌های علمی معتبر استفاده کرده است و همچنین از اقوال متخصصان علم جدید و تفسیر بهره برده است و اینکه از قواعد لغوی و تفسیری جهت تفسیر آیه بهره برده همه حاکی از اعمال مبانی وی در این تفسیر است. تنها نکته‌ای که در این تفسیر به چشم می‌خورد این است که شعبان برخلاف مبنای تفسیری خود مبنی بر عدم حصر‌گرایی در تفسیر علمی آیات، آیه شریفه را منحصر در حرکت واقعی خورشید دانسته و از عبارت احتمال دارد استفاده نکرده است. از این رو به نظر می‌رسد تفسیر وی خالی از اشکال نیست و با مبنای وی نیز ناسازگار است.



نتیجه

با توجه به روش تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی می‌توان موارد ذیل را از مهم‌ترین مبانی تفسیری ایشان در تفسیر علمی آیات دانست.

۱- برای تفسیر آیات علمی قرآن به دو نکته باید توجه کرد، نخست اینکه تنها از گزاره‌های علمی قطعی و مسلم استفاده شود و دوم اینکه این مطالب علمی با ظاهر آیات کاملاً سازگار باشد.

۲- استفاده از واژه احتمال در برخی از نمونه‌های تفاسیر علمی ایشان

۳- اینکه قرآن کتاب هدایت است نه کتاب علوم طبیعی، آیت‌الله مکارم بر خلاف شعبان به شکل پررنگی این مبنا را در تفاسیر ایشان را در تفاسیر علمی خود به نمایش گذاشته است.

آیت‌الله مکارم در تفسیر علمی آیات مذکور ضمن استفاده از گزاره‌های یقینی و مسلم علمی، آیاتی را تفسیر کرده که ظاهر آنها با گزاره‌های علمی سازگار است؛ ایشان با رعایت قواعد معتبر تفسیر و گزاره‌های مسلم علمی، وجه اعجازگونه این آیات را روشن کرده است اگر چه در برخی موارد به نظر می‌رسد از بیان واژه «احتمال» در تفسیرشان غفلت کرده باشند.

مروان شعبان نیز در تفسیر خویش همواره به چند نکته توجه داشته است که می‌توان آنها را از مهم‌ترین مبانی تفسیری ایشان دانست:

۱- استفاده از گزاره‌های علمی معتبر، وی این مبنا را تفسیرش را در هر مورد تفسیر علمی با بیان اقوال متخصصان علم موردنظر مورد تأکید قرار داده است.

۲- استظهار صحیح و اصولی از آیات قرآن، شعبان این مبنا را تفسیرش را با بیان اقوال مفسران بزرگ و همچنین بررسی لغوی نشان داده است.

۳- عدم انحصار دلالت آیه بر آن تفسیر علمی و پذیرش احتمالات تفسیری دیگر، وی صریحاً به این مبنا تصریح کرده است، اگر چه در برخی موارد خود به آن عمل نکرده است.

۴- اینکه قرآن کتاب هدایت است، اگر چه شعبان به این مطلب به‌عنوان یکی از ضوابط تفسیر علمی اشاره کرده است، ولی در برخی موارد تفسیر علمی وی این مورد پررنگ نیست.

آنچه در تفسیر علمی مروان شعبان در چند مورد از آیات قرآن مشاهده شد، نشان می‌دهد که شعبان در رعایت مبانی ادعایش تا حدود زیادی موفق بوده است و سعی کرده بر اساس این مبانی پیش برود، اگر چه در تفسیر برخی آیات از مبانی هم‌چون لزوم سازگاری ظاهر آیه با مطلب علمی موردنظر و همچنین عدم انحصار آیه در مدلول خاص، غفلت کرده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن الکریم، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، دار الکتب العربی، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۳. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰.
۴. بلاغی، عبد الحجه، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، حکمت، قم: ۱۳۸۶ ش.
۵. جرجانی، عبد القاهر بن عبد الرحمن، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، دار الفکر، عمان، ۱۴۳۰ ق.
۶. دینوری، عبدالله بن محمد، الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۲۴ ق.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم: ۱۳۸۷ ش.
۸. —، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، قم: ۱۳۸۱ ش.
۹. —، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، اسوه، تهران: ۱۳۸۳ ش.
۱۰. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۱۱. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، محقق: عمروی، دارالفکر، بیروت: بی تا.
۱۲. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۶ ق.
۱۳. شعبان، مروان وحید، الاعجاز القرآنی، دارالمعرفه، بیروت: ۲۰۰۶ م.
۱۴. شوکانی، محمد، فتح القدر، دار ابن کثیر، دمشق: ۱۴۱۴ ق.
۱۵. صاوی، احمد بن محمد، حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، مصحح: شاهین محمد عبد السلام، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۲۷ ق.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۴۱۷ ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲ ش.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۱۹. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، کتابفروشی صدوق، تهران: ۱۳۶۰ ش.
۲۰. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، نشر اسوه، تهران: ۱۴۱۴ ه ق.
۲۱. غزالی، محمد بن محمد، جواهر القرآن و دره دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۰۹ ق.
۲۲. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۲۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف کتاب العزیز، وزارة الاوقاف، قاهره: ۱۴۱۶ ق.
۲۴. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، منشورات دارالرضی، قم: بی تا.
۲۵. قمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الکتب، قم: ۱۳۶۷ ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۲۷. —، قرآن و آخرین پیامبر، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۸۵ ش.



References

1. The Holy Quran, Translated by Makarem Shirazi, Nasir, Dar al-Quran al-Karim, Qom: 2nd Edition, 1994.
2. Amili, Ibrahim, Tafsir Aamili, Sadouq Bookstore, Tehran: 1981.
3. Baghavi, Hussain bin Masoud, *Ma'alam al-Tanzil fi Tafsir al-Quran* (The Pathmarks of Revelation in Quranic Sciences), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1420.
4. Balaghi, Abdul Hajjah, *Hajjah al-Tafasir wa Balagh al-Aksir* (Argument of Exegesis and Elixir of Eloquence), Hikmat, Qom: 2007.
5. Dinawari, Abdallah bin Muhammad, *Al-Wazih fi Tafsir al-Quran al-Karim* (A Clearification of Quranic Exegesis), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Muhammad Ali Bayzone Publications, Beirut: 1424 A.H.
6. Fakhr al-Din Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar, *Mafatih al-Ghayb* (The Keys of Hidden World), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1420 A.H.
7. Fayoumi, Ahmad bin Muhammad Moqri, *al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer of Rafa'i*, Dar al-Razi's Publications, Qom: n.d.
8. Firouzabadi, Muhammad bin Ya'qub, *Basa'ir Dhawi al-Tamyiz fi Lataif al-Kitab al-Aziz*, Ministry of Awqaf, Cairo: 1416 A.H.
9. Ghazzali, Muhammad bin Muhammad, *Jawahir al-Quran wa Duraruhu* (The Gems of Quran and Its Pearls), Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Muhammad Muhammad Ali Bayzone Publications, Beirut: 1409 AH.
10. Gorgani, Abd al-Qahir bin Abd al-Rahman, *Darj al-Durar fi Tafsir al-Quran al-Azeem*, Dar al-Fikr, Oman, 1430 A.H.
11. Ibn Jawzi, Abul Faraj Abd al-Rahman bin Ali, *Zad al-Musafir fi Ilm al-Tafsir* (Provision for Seeker of Exegesis), Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1422 A.H.
12. Makarem Shirazi, Nasir, *Quran and the Last Prophet*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 2006.
13. Makarem Shirazi, Nasir, *Tafsir Nemounch* (The Ideal Exegesis), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1995.

14. Mousavi Hamedani, Seyyed Muhammad Baqir, Translation of Tafsir al-Mizan, Islamic Publications Office of the Seminary Seminary Society, Qom: 1995.
15. Qomi, Abul Hasan Ali bin Ibrahim, Tafsir Qomi, Dar Al-Kitab, Qom: 1988.
 - i. Qomi, Sheikh Abbas, Safina al-Bihar wa Madinah al-Hikam wa al-Athar (The Ark of Oceans and City of Wisdom and Narrations), Uswa Publications, Tehran: 1414 AH.
16. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, A Research on the Scientific Miracles of the Quran, Kitab Mobin Publications, Qom: 2002.
17. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, An Introduction to the Scientific Interpretation of the Quran, Uswa, Tehran: 2004.
18. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Tafsir Quran Mehr, Researches on Tafsir and Sciences of the Quran, Qom: 2008.
19. Samarqandi, Nasr bin Muhammad, Tafsir al-Samar Qandi Known as Bahr al-Ulum, Research: Umrawi, Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
20. Sawi, Ahmad bin Muhammad, Notes of al-Sawi on Tafsir al-Jalalayn, Research: Shahin Muhammad Abd al-Salaam, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Muhammad Ali Bayzone Publications, Beirut: 1427 A.H.
21. Sha'aban, Marwan Wahid, *Al-I'jaz al-Qurani* (Quranic Miracles), Dar al-Ma'rifah, Beirut: 2006.
22. Shawkani, Muhammad, Fath al-Qadir, Dar Ibn Kathir, Damascus: 1414 AH.
23. Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman, Al-Itqan fi Ulum al-Quran (A Perfect Guidance in Quranic Sciences), Dar al-Fikr, Beirut: 1416 AH.
24. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma' al-Bayan* fi Tafsir al-Quran, Nasir Khosrow Publications, Tehran: 1993.
25. Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community, Qom: 1417 AH.
26. Tusi, Muhammad bin Hassan, al-Tibyan fi Tafsir al-Quran, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
27. Zamakhshari, Mahmoud, Al-Kaahshaf an Haqiq Ghawamiz al-Tanzil (The Discovery of the Ambiguities of Revalation), Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1407 AH.